نمای ویژه گیهای یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی



سید محمدرضا طباطبایی


بسم الله الرحمن الرحیم

نمای ویژگی های یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی

نویسنده:

محمد رضا طباطبایی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نمای ویژگی های یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی

مشخصات کتاب

سید محمد رضا طباطبایی

چکیده

موضوعات اصلی مقاله درباره سه محوراصلی می باشند که عبارتند از:محول اول: شخصیت امام حسین (ع) در کلام رسول خدا (ص)؛محور دوم: نمای ویژگی های یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی؛محور سوم: ذکر پاره ای از وقایع تاریخی در خصوص حادثه کربلا که نشان محوریت شعائر اسلامی و اخلاق حسنه در مکتب عاشورای حسینی است.محور دوم «نمای ویژگی های یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی» خود به سه بخش تقسیم می گردد، که عبارتند از:۱ – بررسی اهداف انقلاب امام حسین (ع) با توجه به بیانات و رفتار حضرت از آغاز تا پایان این قیام؛۲ – استقامت پی گیر حضرت و یارانش از ابتدای نهضت تا جریان های شام و رسوایی دستگاه یزیدی و نقش این استقامت در به ثمر رسیدن خون شهیدان کربلا؛۳ – بررسی مدیریت این مبارزه پر فراز و نشیب.هم چنین در بخش اول در بررسی اهداف به پنج هدف عمده پرداخته می شود که عبارتند از:الف) قیام برای اصلاح در امّیت پیامبر (ص).ب) امر به معروف و نهی از منکر.ج) حرکت در مسیر پیامبر و امیر المؤمنین (ع).د) امتناع از بیعت.ه) براندازی حکومت خودکامه یزید و تأسیس حکومت اسلامی.

مقدمه

قیام خونین حسینی سرفصلی زرّین و تابناک در تاریخ مبارزات ضد استبدادی بشر است. قیامی که بزرگ ترین درس های فداکاری، ایثار، از خودگذشتگی، اخلاص،ایمان، ظلم ستیزی و مبارزه بی امان حق و باطل را به انسان ها می آموزد.قیامی که هم چون کوه ها و قلّه های برافراشته است. قیامی که به گستردگی همه سرزمین ها و به فراگیری همه زمان هاست.همه رزوها عاشورایند و همه سرزمین ها کربلاـ و نبرد حق و باطل در همه زمان ها و مکان ها جاری است و خورشید تابناک این پهنه وسیع مبارزه حق و باطل

امام حسین و عاشورا وکربلای اوست و سایر مبارزات حق طلبانه در طول تاریخ، همچون آینه هایی هستند که به اندازه ظرفیت و استعداد خود جلوه هایی از آن آفتاب را در خود منعکس می کنند. و ما برآنیم که جلوه هایی از آن همه شکوه وعظمت را در حد توان خود از نظرخوانندگان عزیز بگذارنیم.آب دریا را اگر نتوان کشیدهم به قدر تشنگی باید چشید

امام حسین از دیدگاه رسول الله

«ان الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.»اگر انسان مسلمان در نمازهای یومیه اش از بامداد و نیمروز تا شامگاه همواره ازخدا می خواهد که خدایا مرا به راه راست هدایت کن، حسین چراغ هدایت به این صراط مستقیم است و در میان طوفان ها و موج های خروشان فرهنگ های گوناگون، حسین کشتی نجات است و با اقتدا و پیروی از حسین(ع) می توان به ساحل سعادت و رستگاری دو جهان نائل آمد.دو نکته از تشبیه امام حسین به چراغ و کشتی استفاده می شود:۱ - کم فروغ ترین چراغ ها شمع است و حسین همچون شمع سوخت، تا به دیگران روشنایی ببخشد و پرفروغ ترین چراغ ها خورشید است و حسین خورشید هدایت است. رژیم خودکامه یزید تمامی امکانات خویش را به کار گرفت، تا نور خورشیدگونه حسین را خاموش کند؛ غافل از این که این ابرهای تیره و تار زودگذرند و خورشید درخشان حسینی جهانی را دو باره غرق در نور و صفا خواهد ساخت.۲ - در تشبیه امام حسین به کشتی جالب توجه است که رسول گرامی اسلام در فرمایشی دیگر اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه فرموده که هر کس بر آن سوار شود،نجات یابد و هر کس آن کشتی را ترک کند، در

امواج خروشان دریا هلاک خواهد شد. به عبارتی اگر حسین نبود، نه هدایتی بود و نه راه نجاتی و روی همین اصل است که رسول خدا در باره فرزندش حسین می فرماید: «حسین منّی وأنا من حسین».معنای ظاهری این حدیث این است که حسین از نسل من است و امتداد نسل من هم از حسین است؛ یعنی تربیت حسین، ایمان حسین و تمامی مکارم اخلاقش از من است، چون حسین تربیت شده زهراست و زهرا پاره تن رسول الله است. حسین پرورش یافته در سایه امیر المؤمنین است و امیر المؤمنین، آیینه تمام نمای رسول الله است. بنابر این، هر چه حسین دارد از رسول الله است. حسین از من است؛ یعنی بین حسین و پیامبر جدایی نیست. نمی شود کسی پیامبر را قبول داشته باشد و حسین را قبول نداشته باشد، و من هم از حسینم، یعنی ادامه نبوت من و مکتب من از حسین است. اگر آن فداکاری و قیام جانانه حسینی نبود، نه از اسلام خبری بود و نه از پیامبر (ص).

نمای ویژگی های یک انقلاب موفق در انقلاب سرخ حسینی

بررسی اهداف

نهضت امام حسین (ع) بر اساس اهدافی پایه گذاری شده که: اوّلاً، دشمن درمقابل این اهداف راهی جز شکست نداشت. ثانیا، این اهداف با شفافیت برای مردم و تاریخ بیان شده است. ثالثاً، هزینه بسیار سنگینی که برای رسیدن به این اهداف پرداخته شد، نشان اعتبار و ارزش بسیار بالای این اهداف است.امام حسین (ع) سه مورد از اهداف قیام خود را در وصیت نامه اش به محمد حنفیه متذکر می شود:۱ – قیام برای اصلاحات: امام می فرمایند: خروج و قیام من بر اساس طغیان و شورش برای جاه طلبی و فساد و ستمگری نبوده است، بلکه برای

اصلاح امت جدّم به پاخاسته ام و در جایی دیگر قسمتی از مفاسدی که باید اصلاح شود، این گونه توضیح می دهند:اوضاع زمان ما دگرگون شده، نیکی ها از محیط ما رخت بربسته است، از فضیلت ها جز ته مانده ای - مانند ته مانده ظرف آب وقتی که خالی شود - نمانده است، مردم در زندگی پست و ذلّت باری به سر می برند، صحنه زندگی همچون چراگاهی کم علف و به سرزمینی سخت تبدیل شده است.آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود؟۲ - امر به معروف و نهی از منکر: امام ادامه می دهند، من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم.یکی از برجسته ترین و بالاترین مصداق های امر به معروف و نهی از منکر ایستادگی در برابر قدرت های خودکامه است، قدرت هایی که هیچ کس را جلودار خود نمی دانند و به هیچ کس پاسخ گو نیستند و جز به شهوات افسارگسیخته خود به چیزی نمی اندیشند و در سایه قدرت خود همه را مرعوب کرده و صداها را در سینه ها حبس نموده و آزادی را نابود ساخته و به جایش خفقان و دیکتاتوری را جایگزین ساخته اند.این جاست که به فرموده رسول اکرم امر به معروف و نهی از منکر افضل الجهاد است:«افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر».و این جاست که به فرموده امیر المؤمنین در نهج البلاغه:اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، اشرار بر مردم حاکم می شوند و دیگر دعاها به هدف اجابت نخواهد رسید.و این جاست که امر به معروف و نهی از منکر کار هر کس نیست، بلکه کار حسین (ع) است و آنان که حسین گونه اند.۳ - حرکت در مسیر جدم و

پـدرم: امـام حسـین (ع) در ادامه سـخنان خویش درمورد اهـداف قیـام خود چنین می گویـد: می خواهـم در راه جـدم و پـدرم حرکت کنم. خط مبارزه حسـین (ع) و جـدش یکی است. رسول خدا (ص) برای برپایی آیین پاک اسـلام می جنگید و مبارزه حسـین برای تداوم بخشـیدن به این آیین است. روزگاری رسول الله باابو سفیان برای بنیان گذاری سیره ای نو و مسلکی جدید در مبارزه است و روزی دیگرفرزندان رسول الله بر سـر تداوم میراث گران قدر جدّشان با فرزندان ابو سـفیان در جدال اند.تنها فرقی که هست، این است که آنهـا کفر و فسادشـان آشـکار بود و اینـان در لباس نفاق بااسـلام سـر سازش ندارنـد.راه و روش حسـین و پدرش (ع) هم یکی است. علی (ع) به خاطر بقای اسلام ۲۵سال صبر تلخ تر از زهر را تحمل کرد و فرزندش حسـین (ع) به خاطر بقای اسـلام با ایثار مال و جان و همه هستی خود به میدان آمد.۴ - امتناع از بیعت: از آن جا که حکومت اسلامی حکومت بر دل هـای مردم است،رأی اعتمـاد مردم به این حکومت نیز بایـد برخاسـته از اعماق جان مردم باشـد. رأی داوطلبانه مردم از نظر شـرعی بیعت نامیـده می شود و نتیجه اش مشـروعیت عرفی و قانونی حکومت است. لذا این رأی باید آزاد باشد و هیـچ گونه اجبار و اکراهی در آن راه نـدارد.همان گونه که امیر المؤمنین هیچ کس را به بیعت با خود مجبور نکرد.بیعت تعهد به حفـظ نظـام و امضا کردن رهبری آن از طرف مردم است و امام حسـین (ع) نه نظام یزیـدی را قبول دارد و نه در مقابل یزید سر تسلیم فرود می آورد. امام در جواب درخواست بیعت به استاندار مدینه فرمودند:ما اهل بیت

نبوتیم، ما معدن رسالتیم و محل آمد و شد فرشتگانیم. رهبری و پیشوایی مسلمین از ما شروع شده و به ما ختم خواهد شد. اما یزید مردی فاسق و شرابخوار است و خون بی گناهان را می ریزد و آشکارا گناه می کند و فردی مانند من با فردی مانند او بیعت نخواهد کرد.و در جایی دیگر فرمودند: «علی الاسلام السلام إذ قد بلیت الامه براع مثل یزید؛وقتی امت اسلام به زمامداری مانند یزید مبتلا شود باید با اهل اسلام خداحافظی کرد».باز در موردی دیگر از جدشان رسول خدا نقل می کنند که فرمودند: «الخلافه محرمه علی آل ابی سفیان؛ خلافت و حکومت بر خاندان ابی سفیان حرام است.»و امامی که سرلوحه اهدافش امر به معروف و نهی از منکر است چگونه یک چنین منکری را به رسمیت بشناسد؟ در این جا لازم می دانم در باره این حدیث توضیح بیشتری بدهم. وقتی رسول الله خلافت را بر آل ابی سفیان حرام می داند و امام حسین به این حدیث استناد می کند، اشکالی به نظر می رسد و آن این است که خاندان ابی سفیان شامل معاویه نیز می شود. معاویه ای که هم امام حسن و هم امام حسین (ع) حکومتش را به رسمیت شناختند.در پاسخ به این اشکال باید گفت: امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بیعتشان با معاویه بدون قید و شرط نبود و با نادیده گرفتن شرایط از طرف معاویه، دیگر بیعت با معاویه نیزبی اثر خواهد شد.به عنوان توضیح بیشتر باید گفت: به نظر می رسد حرمت در این حدیث منقول از رسول خدا (ص) حرمت ارشادی باشد، نه مولوی. زیرا اگر حرمت مولوی مراد بود، باید بیعت مشروط هم با معاویه

حرام باشد و بیعت مشروط امام حسن (ع) بهترین دلیل بر ارشادی بودن این حکم است. معنای حکم ارشادی این است که عقل حکم می کند چون حکومت آل ابی سفیان استبدادی است، حرام است و اگر با شرایطی از استبداد آنها جلوگیری شود،حرمتی نخواهد داشت. و امام حسن (ع) همین شرایط را در بیعت خود با معاویه در نظر گرفت و اگر معاویه این شرایط را زیرپا گذاشت، بیعت با وی نیز بدون اثر خواهد شد، زیرا بارفتن شرط، مشروط هم از بین می رود.به عبارت دیگر امام حسن (ع) در صورتی بیعت می کند که معاویه به شرایطی که حضرت با او کرده است متعهد باشد و اگر معاویه به آن شرایط تعهدی نداشت، امام حسن (ع) نیز التزامی به بیعت نخواهد داشت و رمز تفاوت شرایط زمانی این دو امام بزرگوار نیزهمین است. معاویه دست امام حسن را برای هرگونه شرطی بازگذاشت، اما از امام حسین (ع) بیعت بدون قید و شرط می خواستند.۵ – ایجاد حکومت اسلامی و براندازی حکومت خودکامه یزید: تأسیس حکومت اسلامی به رهبری اهل بیت پیامبر از اهدافی است که امام حسین (ع) روی آن بسیار تأکید می کند و عملاً نیز فرستادن «مسلم» به کوفه و حرکت امام به سمت عراق برای تعقیب همین هدف بود. هنگامی که حضرت مسلم در نامه ای به امام آمادگی مردم را اعلام می دارد، امام در نامه ای به مردم کوفه می نویسد:نامه مسلم بن عقیل را که نشانگر اجتماع و هماهنگی شمادر راه یاری ما خاندان و مطالبه حق ما بود، دریافت نمودم.از خدا می خواهم آینده همه ما را به خیر کند و شما را اجرعظیم بدهد و

من نیز در ظرف همین روزها به سوی شما خواهد آمد.و در جای دیگر فرمودند:«نحن اهل بیت محمد (ص) أولی بولایه هذا الامر علیکم من هؤلاء المدعین ما لیس لهم والسائرین بکم بالجوروالعدوان؛ ما اهل بیت رسول الله از این مدعیان دروغین و عاملان جور و ستم به امر خلافت شایسته تریم».و باز از آن حضرت نقل شده که فرمودند: ای خدا تو خود می دانی که این قیام و حرکتی که ما کردیم از سر رقابت در سلطنت و میل به افزودن کالای دنیا نبوده است، بلکه از این روست که می خواهیم پرچم های دین تورا افراشته بنگریم و اصلاح در کشورت آشکار کنیم و بندگان ستم دیده ات از ستمکاران در امان باشند و به فرایض و سنت ها و قوانین تو عمل شود.آیا این اهداف بلند، جز در سایه حکومت می تواند دست یافتنی باشد. از دیدگاه امام حکومت هدف نیست، بلکه وسیله ای است برای رسیدن به این اهداف. آنان که منکر این هدف مقدس امام هستند این فرمایشات صریح حضرتش را چگونه توجیه می کنند؟ اساساً راه مصلحانه، جز این است که ابتدا با حکومت ظالمانه یزید مبارزه شود و مبارزه تا سرنگونی ادامه یابد و پس از آن حکومت حق جای گزین آن گردد؟اگر امام «مسلم» را به کوفه می فرستد، برای ارزیابی آمادگی مردم برای تأسیس حکومت حق است. اگر امام به سمت عراق حرکت می کند به دنبال نامه مساعد «مسلم» است که اعلام می دارد مردم آمادگی دارند. به راستی اگر امام هیچ اقدامی نمی کرد، حادثه کربلا نیز به وجود نمی آمد. اما در مقابل این واکنش منفی امام حجت خدا و حجت مردم بر ضرر آن حضرت تمام

می شـد. مردم می گفتنـد: ما زیر بار ظلم بودیم و از شـما دعوت کردیم،برای این که رهبری مبارزه را به عهـده بگیرید و ما را نجات دهیـد. این شـما بودیـد که به دادما نرسـیدید. امام برای این که حجت را بر مردم تمام کنـد، تا آن جا که امکان داشـت کوشـید.حتی پس از این که خبر کشته شدن «مسلم» به گوش حضرت رسید، با اصحاب و یارانش مشورت کرد که آیا این را، را ادامه بدهنـد یـا خیر. عـده ای از یارانش گفتنـد: شخصـیت شـماغیر از «مسـلم» است و وجود شـما در کوفه باعث وحـدت و اجتماع مردم خواهـد شـد. امام می دیدنـد حجتی که مردم بر او داشـتند، هنوز باقی است، لـذا تصـمیم گرفتند به راه خود ادامه دهنـد تا وقتی که در چنگال نیروهای «حر» گرفتار شدنـد. در این جا امام به حر و لشـکریانش فرمودنـد: من بر اساس نامه های شما کوفیان به طرف شـما حرکت کردم و اکنون اگر از آمدنم کراهت دارید برمی گردم. امّا حر اجازه برگشـتن به حضرت را نـداد. این مطـالبی که به نگـارش درآمـد، متن تاریـخ است. بـدون هیـچ گونه تصـرفی، و نشان آن است که حرکت امام روی موازین عادی و طبیعی بوده و بر همین اساس است که حرکت امام می توانـد الگو باشـد.خلاصه کلام این که: هـدف امام این است که مبارزه با حکومت یزیـد تا سـرنگونی و جایگزین کردن حکومت اسـلامی بایـد ادامه یابـد هر چنـد در راه این مبارزه جـانش و جـان عزیزانش قربـانی گردد. لـذا امـام در جواب فرزدق فرمود:اگر قضـای الهی به دلخواه مـا جـاری شـد خـدا را بر نعمتش ستایش می کنیم و اگر قضای الهی بر خلاف امید ما جاری شد

باز هم چون مقصود ما پیروی از حق بوده و بر اساس تقوا عمل کرده ایم، از مرز حقیقت تجاوز ننموده ایم.

استقامت و آخرین حد آن

آخرین حد استقامت جانبازی است و امام حسین (ع) با نثار جان و مال و عزیزترین عزیزان خود فداکاری را به حدّ اعلی رساند. امام از یک طرف شعار می دهد که من مرگ را جز سعادت نمی دانم و زندگی زیر سایه ستمگران را جز رنج و ملال نمی دانم و از سوی دیگر، روز عاشورا این شعار را با نثار آخرین قطره خون خود عملاً پیاده می کند.امام در اولین روزهای نهضت خود فرمود: «مثلی لا یبایع مثله؛[شخصیتی] مانند من هرگز با [شخصی] مانند یزید بیعت نمی کند.»و روز عاشورا آن گاه که در تنگنای محاصره دشمن قرار گرفته، باز فریاد برمی آورد: «هیهات منّا الذلّه»؛ ذلّت از ساحت ما دور است» به خدا قسم! دست ذلت به شما نخواهم داد و شهادت سراپا عزّت را انتخاب خواهم کرد، چرا که من زاده دامن های پاک و پاکیزه ام و امام حتی بعد از شهادت دست از مبارزه برنداشت.بدین گونه که حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) ادامه وجود امام حسین (ع) بودند.آنها بودند که فریاد مظلومیت حسین (ع) را به گوش دنیا رساندند. آنان بودند که مجلس جشن پیروزی یزید را به دادگاه محاکمه وی تبدیل کردند و در افکار عمومی مردم او رامحکوم ساختند. اگر امام حسین می فرمود: بیعت با یزید مساوی با وداع با اسلام است،وقتی مردم در آن جلسه آن اشعار کفرآمیز را از زبان یزید شنیدند، حقانیت حسین (ع) راتصدیق کردند. آری، این خون مقدس او بود که باعث شد تا یزید آنچه در دلش بود بی پرده بگوید.

یزید که مست باده و مغرور پیروزی خود بود و می دید که سر بریده فرزند رسول خدا را در طشت طلا رو به روی او نهاده اند و خانـدان پیـامبر را به اسـارت کشـیده و به حضورش آورده انـد و هنوز حکومتش بر سـر جای خود باقی است، پیش خود می گوید: دیگرمنتظر چه چیزی؟ آخر هراس تو از چیست؟ آنچه در دلت هست بگو و شـروع می کند به گفتن آن اشعار کفرآمیز که اصـلاً نه خبری از آسـمان آمـد و نه وحیی نـازل شـد... و بعـد بـا شـادی تمام می گویـد: من انتقام روز بـدر را از فرزنـدان احمد(ص) گرفتم و این جا بود که باطل لخت و عریان خود را به مردم نشان داد و هدف «امام» نیز همین بود که راه حق از راه باطـل جـدا شود و بـاطلی که لباس حق پوشـیده و مردم را گمراه می کنـد به طور آشـکار باطل بودن خود را اعلام کنـد و این گونه بود که خون امام حسین (ع) بر شمشیر یزیدیان پیروز شد.

مدیریت دقیق و نتیجه بخش مبارزه

یکی از روش هایی که امام در مبارزه اش به کار گرفت، صـراحت و شـفافیت بود.موقع خروج از مدینه، حضرت حاضر نشدند از راه هـای فرعی و ناشـناخته برونـد و فرمودنـد:از راه اصـلی برویم، در فرصت های مختلف از مـدینه تا مکه و از مکه تا عراق همواره اهداف خود را با صـراحت تمام به گوش مردم رساند.یکی دیگر از روش های مبارزه امام این بود که تا آن جا که می توانست نقشه های دشـمن را بی اثر می ساخت. یزیـد حکومت دست نشانده خود را در مکه مأمور ساخت، تا توطئه خطرناکی را در باره حضرت اجرا کند. آنان می خواستند در شلوغی ایام حج امام

را ترور کنند و گناه آن را به گردن خوارج بیندازند. امام روز هشتم ذی حجه از مکه خارج شدند و عملاً توطئه یزید را نقش بر آب ساختند. در راستای همین سیاست بود که نامه های فراوان مردم عراق را همراه کاروان خود برداشت و هنگام برخورد با «حر» فرمود: من به استناد این نامه ها آمده ام و اگر از آمدنم کراهت دارید، برمی گردم.این مطلب برای آن بود که تبلیغات یزید را بی اثر کند و نشان دهد که مردم امام را دعوت کرده اند و آن گاه که احساس می کند مردم از آمدنش ناراضی اند، با کمال صداقت می گوید: برمی گردم. درست است که امام هنگام حرکت از مکه به سمت عراق پایان کارخود را پیش بینی کرد و در خطبه ای فرمودند: مرگ زینت انسان است، همان گونه که گردن بند بر گردن دختران جوان زینت است و با اشاره به حوادث کربلا فرمود: در سرزمین کربلا گرگ های گرسنه شکم های خود را از اعضا و اندام من سیر می کنند. با این خطبه نشان داد که از مرگ هراسی ندارد و اگر به «حر» و «عمر سعد» پیشنهاد برگشتن می دهد،به خاطر ترس از مرگ نیست، بلکه برای این است که می خواهد مسئولیت این جنگ نابرابر و ظالمانه را صد در صد به گردن «ابن زیاد» بیندازد. این است که در برخورد باسپاهیان دشمن حالت دفاعی به خود می گیرد و با وجودی که می توانست با لشکریان «حر» بجنگد، حاضر به جنگ نشد و صبح روز عاشورا وقتی که شمر در تیررس «زهیر بن قین» قرار گرفت. امام به زهیر اجازه تیراندازی نداد و فرمود: من نمی خواهم آغاز کننده جنگ باشم و روز عاشورا در آن فرمایش تاریخی

خود با صدای بلند فریاد زد:ابن زیاد! فرزند دامن های آلوده مرا بین دو چیز مجبور کرده است: یا شمشیر کشیدن یا تن به ذلت دادن.این کلمات آتشین را از آن جهت می گوید که می خواهد به دنیا اعلام کند جنگ را بر حضرت تحمیل کردند و امام برای دفاع از عزت خود تنها یک راه دارد و آن هم جنگ.جای تأسف است که به این سیاست های امام کمتر توجه می شود. امام در عین آن که آماده جانبازی است، به گونه ای عمل می کند که در پیشگاه تاریخ جنگ طلب محسوب نشود و مسئولیت جنگ را به عهده دشمن بیندازد.

نتیجه گیری

در پایان به عنوان حسن ختام و نتیجه گیری به نقل چند داستان می پردازیم:۱ - امام حسین(ع) در اولین برخورد با سپاهیان دشمن، حسن نیت خود را به شکل بی سابقه ای به آنان نشان دادند، در حالی که لشکریان دشمن همگی دچار تشنگی شدید بودند. امام آنها را و حتی اسبانشان را نیز سیراب کردند. خدایا این چه دلی است که در سینه این امام پاک و معصوم است. دلی که به دریای رحمت خدا متصل است. در مقابل این همه بزرگواری، عکس العمل دشمن چقدر دردناک است. آنان آب را به روی بزرگ و کوچک بستند و حتی طفل شیرخوار امام را بر روی دستش، با گلوله سیراب کردند.سیاه باد رویتان! ای انسان های مسخ شده.جالب این است که این سیاست حسن نیّت امام، تا پیش از شروع جنگ در روز عاشورا نیز ادامه یافت. امام صبح روز عاشورا در سخنرانی آتشینی که میان سپاهیان دشمن ایراد کردند به نصیحت و ارشاد آن تیره دلان پرداختند. افسوس که انوار تابناک

این خورشید هدایت بر دل های سیاه و لجن گرفته دشمن نتوانست کوچک ترین تأثیری بگذارد.۲ – عصر روز نهم با ورود شمر به کربلا قرار شد همان وقت، جنگ را با امام شروع کنند. اما امام شب عاشورا را از دشمن مهلت خواستند و فرمودند: خدا می داند که من نماز و تلاوت قرآن و دعا و استغفار را دوست می دارم.۳ – خط ایثار و وفاداری و خود را بر دیگران در جانبازی مقدم داشتن، از امام درشب عاشورا شروع شد و با فداکاری حضرت زینب در کربلا و کوفه ادامه یافت. امام شب عاشورا بیعت خود را از همه یاران و حتی بنی هاشم برداشتند و فرمودند: آزادید بروید وبنی هاشم و اصحاب حضرت با سخنانی که دل کوه را می لرزاند ابراز وفاداری کردند و روز عاشورا تا انصار زنده بودند به کسی از بنی هاشم اجازه ندادند پا به میدان بگذارد و نوبت به بنی هاشم که رسید، امام از فرزند خود علی اکبر شروع کردند و آخرین فرد از بنی هاشم حضرت اباالفضل بودند که نمایش عجیبی از ایثار و وفاداری از خود نشان داد و با وجود تشنگی شدید در کنار فرات به یاد لب تشنه برادر از نوشیدن آب خودداری کرد. بعد ازشهادت امام هم، دو بار حضرت زینب (س) با ایثار، جان برادر زاده اش امام سجاد (ع) راحفظ کرد. یکی در کربلا، وقتی شمر می خواست علی بن الحسین را شهید کند و یک باردیگر نیز، در مجلس ابن زیاد. در هر دو مورد حضرت زینب خود را جلو انداخت و فرمود: باید اول من را بکشید، تا بتوانید به برادر زاده ام

آسیبی وارد کنید.سلام و صلوات خدا بر تو ای رهبر آزادگان جهان، ای سید و سالار شهیدان، ای عصاره همه پاکی ها و فضیلت ها. ای سید جوانان اهل بهشت و ای اشرف اولاد آدم در روی زمین!سلام بر تو و بر خاندان پاکت، به ویژه پرچمدار بزرگ کربلا حضرت اباالفضل العباس(ع).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹